

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسيم "اسير"

گواه عشق

اگر سرفرازم کنی گاهگاهی
شوی روبرویم به بزمی، به راهی
دلَم شاد سازی به نیم نگاهی
به صبحی، بشامی، بروزی، به ماهی

دل از من ربودی، بت دلنوازم
به کسویت نیازم، به سویت نمازم
قدت را بگردم، رخت را بنوازم
بود سجده گاهم چنین جلوه گاهی

ز بزم تو تا کی، چنین دور باشم
به چشم تو مقهور و منفور باشم
حقیر رقیبان مغرور باشم
مقابل شوم با چنین روسیاهی

پریچه هره من ببین رنگ زردم
به پایت فتاده به مانند گردم
ز عالم بگردم، ز تو برنگردم

هجوم آورد غم اگـــــر با سپاهی

هنوزم به بزم وفای او ره نیست
نصییم بجز روز سرد و سیه نیست
گر احوال زارم بپرسی گنه نیست
به یک نیمخنددی، به نیم نگاهی

بت من! ز چشمم خـــــرامیده رفتی
چه پیش آمد امشب که رنجیده رفتی
سر دامن نـــــاز برچیده رفتی
مگر دیدی از من، خطائی، گناهی؟

لبت تا ببوسم نفس بر لب آمد
به جان و تنم، غصه ای دیشب آمد
تن از درد لرزید، به جانم تب آمد
چه بخت خرابی، چه روز سپاهی

گر امشب ترا من، به مستی نبینم
دگر روی مستی به هستی نبینم
به عشقت بلندی و پستی نبینم
به حال گدائی، بر اورنگ شاهی

«اسیر» تو بودن، گناهی ندارد
دل از من گـــــرفتن گواهی ندارد
طریق و فارسم و راهی ندارد
چه میخواهی از من دلیل و گواهی

(م. نسیم «اسیر»، بن - المان، اکتوبر 1995 م)